

پییر آدو

فلسفہ باستانی چیست؟

ترجمہ دکترا عباس باقوری



نعلی

فهرست

۹	سخنی چند از مترجم
۱۹	پیش‌گفتار

بخش نخست. تعریف افلاطونی فلسفه و پیشینه‌های آن

۳۱	I. فلسفه پیش از فلسفه
۳۱	تاریخ نخستین اندیشمندان یونان
۳۴	پدیا (Paideia)
۳۴	سوفسطاییان قرن پنجم
۳۷	II. پیدایش مفهوم «فلسفه پرداختن»
۳۷	گواهی هرودوت
۳۹	فعالیت فلسفی، افتخار آتن
۴۰	مفهوم سوفیا (Sophia)
۴۶	III. چهره سقراط
۴۶	چهره سقراط
۴۹	نادانی سقراطی و نقد دانایی سقراطی

۵۴	خطاب فرد به فرد
۵۸	دانایی سقراط: ارزش مطلق هدف اخلاقی
۶۲	نگرانی خویش، نگرانی دیگران
۶۶	IV. تعریف فیلسوف در ضیافت افلاطون
۶۶	ضیافت افلاطون
۶۹	خدای عشق، سقراط، فیلسوف
۷۹	ایسوکراتس

بخش دوم. فلسفه همچون شیوه زندگی

۸۹	V. افلاطون و آکادمی
۸۹	فلسفه به عنوان شکل زندگی در آکادمی افلاطون
۸۹	طرح آموزشی
۹۲	سقراط و فیثاغورس
۹۳	هدف سیاسی
۹۵	آموزش و پژوهش در آکادمی
۹۹	گزینش زندگی افلاطونی
۱۰۲	تمرین‌های روانی
۱۰۸	گفتار فلسفی افلاطون
۱۱۵	VI. ارسطو و مکتب او
۱۱۵	شکل زندگی نظری (Théoretique)
۱۲۱	سطوح گوناگون زندگی نظری
۱۲۷	حدود گفتار فلسفی
۱۳۲	VII. مکتب‌های هلنی (Hellénistique)
۱۳۲	ویژگی‌های عمومی

بخش سوم. گسست و پیوست قرون وسطی و دوران جدید

- X. مسیحیت چون فلسفه‌ای الهامی
۲۲۹ مسیحیت خود را فلسفه می‌داند
۲۲۹ مسیحیت و فلسفه باستان
۳۴۱
- XI. ناپدید و نوپدیدي مفهوم باستانی فلسفه
۳۴۸ بار دیگر: مسیحیت و فلسفه
۳۴۸ فلسفه در خدمت الهیات
۳۵۰ هنرمندان خرد
۳۵۴ استمرار فلسفه در مفهوم شیوه زندگی
۳۵۷
- XII. پرسش‌ها و دیدگاه‌ها
۳۶۹ کتابنامه
۳۹۱ گاهشمار وقایع
۳۹۶

I

فلسفه پیش از فلسفه

بررسی یا تاریخ (Historia) نخستین اندیشمندان یونان

«فلسفه پیش از فلسفه». واژه‌های هم‌خانواده با واژه فلسفه (فیلسوفیا) در قرن پنجم پیش از میلاد پدید آمدند و از لحاظ فلسفی در قرن چهارم به وسیله افلاطون تعریف شدند. با وجود این ارسطو و همپای او، تمام تاریخ سنتی فلسفه، نخستین اندیشمندان یونانی^۱ را، که از آغاز قرن ششم، در حوزه پیرامونی منطقه نفوذ یونان، در مهاجرنشین‌های آسیای صغیر، دقیقاً در شهر ملطیه پیدا شدند، فیلسوف می‌شناسند: تالس ریاضی‌دان و فن‌آور و یکی از هفت حکیم، که برای پیش‌بینی کسوفی در ۲۸ ماه مه سال ۵۳۵ نامدار شده بود، سپس آناکسیماندر و آناکسیمنس. این جنبش فکری به سایر مهاجرنشین‌های یونان، این بار مهاجرنشین‌های سیسیل و ایتالیای جنوبی گسترش یافت. چنین بود که در قرن ششم کسنوفانس اهل کولوفون به الیا مهاجرت کرد، فیثاغورس که اصلاً اهل ساموس، (نزدیک ملطیه) بود در پایان قرن ششم به کروتون، سپس به متاپونت آمد و آن جا ماندگار شد. کم‌کم ایتالیای جنوبی و سیسیل با

کسانی از جمله پارمنیدس و آمپدوکلس مرکز جنبش فکری بسیار پویایی شدند.

این دانشمندان جملگی توضیحی عقلانی از جهان ارایه می دهند و این چرخش قاطعی در تاریخ اندیشه است. مسلماً پیش از آنان، در خاور نزدیک و جاهای دیگر از یونان قدیم نیز دانش کیهان‌شناسی وجود داشته اما از مقوله اساطیر بوده است یعنی تاریخ جهان را چون نبرد بین جوهرهایی توصیف می کرده که به هیئت انسان بوده‌اند. «پیدایش» در معنای مورد نظر، سفر پیدایش، یا «کتاب انسابی» بود که هدف از آن تجدید خاطرۀ اجدادیِ مردمان و پیوستن آنها به نیروی کیهانی و تبار خدایان بود. آفرینش جهان، آفرینش انسان، آفرینش مردمان موضوع دانش کیهان‌شناسی بود. همانطور که نداف^۲ (G.Naddaf) نشان داده گرچه نخستین اندیشمندان یونان نظریه عقلانی جهان را جایگزین روایت اساطیری آن می‌کنند اما طرح سه‌گانه ساختار کیهان‌شناختی اساطیری را نگه می‌دارند. نظریه‌ای درباره منشأ جهان و انسان و شهر ارایه می‌دهند که نظریه‌ای است عقلانی زیرا می‌کوشد تا جهان را نه براساس نبرد عناصر بلکه برپایه نبرد واقعیت‌های «طبیعی» و غلبه یکی از آنها بر دیگران، توصیف کند. این دگرگونی بنیادی در کلمه یونانی Phusis (فیزیس = طبیعت) خلاصه می‌شود که در اصل معنای آغاز و روند و نتیجه فرایندی را می‌دهد که تمام چیزها بدانگونه موجودیت پیدا می‌کنند. موضوع کار فکری آنها، کاری که خودشان آن را بررسی^۳، Historia، می‌نامند، طبیعت کیهانی است.

نظریه‌های عقلانی در سرتاسر سنت فلسفی یونان از این طرح کیهان‌شناسی نخستین متأثر شده‌اند. ما در این جا به ذکر نظریه افلاطون اکتفا می‌کنیم که در جریان سلسله گفت و شنوهای موسوم به تیمائوس،

فعالیت فلسفی

افتخار آتن

آتنی‌های قرن پنجم (پیش از میلاد) به این تلاش فکری، به این دلبندی برای دانش و فرهنگ که در شهرشان شکوفا بود افتخار می‌کردند. توسیدید^{۱۹} (Thucidid) در مرثیه‌ای که از زبان پریکلس می‌نویسد تا او در مراسم یادبود نخستین سربازان کشته شده در جنگ پلوپونز بخواند، روش زندگی آتنی را با این عبارات می‌ستاید: «ما زیبایی را با سادگی پرورش می‌دهیم و به فلسفه می‌پردازیم بی آنکه قاطعیت خود را از دست بدهیم.» هر دو فعلی که در این عبارت به کار رفته از ترکیبات فیلو (-Philo) است: به یونانی Philokalein و Philosophein. ضمناً بگوییم که در این جا پیروزی دموکراسی به طور تلویحی بیان شده است. دیگر تنها شخصیت‌های استثنایی یا نجیب‌زادگان نیستند که می‌توانند به اشرافیت (aretê) دست یابند بلکه هر شهروندی می‌تواند، تا آن جا که زیبایی را دوست دارد و به فلسفه عشق می‌ورزد، به این هدف برسد. در آغاز قرن چهارم، ایسوکراتس سخنور در «مدحیه»^{۲۰} خود، همین عبارت را چنین باز می‌گوید: آتن فلسفه را به جهانیان شناساند.

این تلاش، تمام چیزهایی را در برمی‌گیرد که با فرهنگ فکری و عمومی رابطه داشته باشد: نظریه‌های فیلسوفان پیش از سقراط، دانش‌های در حال پدید آمدن، نظریه زبان، فن سخنوری، هنر قانع کردن دیگران. و اگر اشاره گورگیاس در رساله ستایش هلن را ملاک داوری قرار دهیم، گاهی این تلاش به گونه بسیار روشنی با هنر استدلال ارتباط پیدا می‌کند. گورگیاس می‌گفت که او (هلن) مسئول عمل خویش نبود زیرا یا به اراده خدایان به این راه کشانیده شد یا زیر فشار یا به نیروی اقتناع یا